



مانعی که نمی‌گذارد به کرم خدا راه پیدا کنیم

شرح دعای ابوحمزه ثمالی به روایت آیه الله جوادی آملی- گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است.

شرح دعای ابوحمزه ثمالی

مانعی که نمی‌گذارد به کرم خدا راه پیدا کنیم/ عواملی که نیایش و دعا را محقق می‌کند

شرح دعای ابوحمزه ثمالی به روایت آیه الله جوادی آملی- گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است. در این دعای سحر ابوحمزه ثمالی که از وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه نقل کرد منشاء اصلی دعا را معرفت می‌داند. و تداوم دعا را هم معرفت می‌داند. و ناامید نشدن هم مستند به معرفت است. عرض می‌کند:

"یا واسعَ المَغْفَرَةِ یا باسِطَ الیَدَینِ بِالرَّحْمَةِ."

ای پروردگاری که مغفرتات بی‌کران است و اگر بخواهی کسی را مورد تفقد قرار بدهی با کرامت تفقد می‌کنی.

باسِطُ الیَدَینِ! گرچه خدا دست ندارد، ولی اگر کاری بکند و محبتی بکند مثل این که انسان دو دستی کاری را انجام بدهد این چنین می‌کند. این که فرمود: یَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ، یدِی او ندارد تا بسط کند. ولی اگر کسی خواست نسبت به دیگری عطائی کریمانه داشته باشد، دو دستی چیزی را به او عطا می‌کند. خدا اگر خواست بنده‌ای را بنوازد دو دستی به او احسان می‌کند. او باسِطُ الیَدَینِ است. چنین بسطی که برای ذات اقدس إله بازگو شد، آنگاه عرض می‌کند: خدایا! تو اگر مرا برانی از دَرَت، ولی من دوباره برمی‌گردم.

به دلیل این که در دیگری نیست. انسان اگر به عجز خود پی ببرد، اول: بداند که موجود نیازمندی است و بداند توان رفع نیاز در اختیار خود او نیست، دو: حلّ رفع نیاز به عهده غیر او هم نیست، سوم: تنها مبدائی که می‌تواند نیازهای او را برطرف بکند خداست، چهارم: و خدا هم اگر کسی او را بخواند و بخواند اجابت می‌کند، پنجم: خوب چنین کسی یقیناً دعا می‌کند. لذا عرض می‌کند: خدایا! تو اگر مرا برانی و از فیض خاصات محروم بکنی، من ناامید نمی‌شوم. دوباره برمی‌گردم.

"فُو عِرَّتْکَ یا سَیِّدِی لَوْنَهَرَّتَیْ ما بَرَحْتُ مِنْ بَابِکَ وَ لَا کَفَقْتُ عَنْ تَمَثُّکَ لِمَا اَنْتَهِیَ اِلَیَّ یا سَیِّدِی مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ."

چون من می‌دانم راهی غیر از در خانه تو نیست دوباره برمی‌گردم. دلیلی ندارد که ناامید بشوم، چون نیازمندم. و دلیلی ندارد که به غیر تو مراجعه کنم چون از آنها کاری ساخته نیست. و دلیلی ندارد که به تو مراجعه نکنم. چون تو سرانجام می‌پذیری. و اگر چند لحظه طرد کردی حکیمانه است. بعد هم می‌پذیری.

"وَ اَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ کَيْفَ تَشَاءُ."

هر کاری را که بخواهی انجام دهی و هیچ قدرتی نیست که جلوی تو را بگیرد. چون هرچه در جهان امکان هست مصنوع توسست. و هرگز مصنوع بر صانع خود حاکم نیست.

"وَ لَا تَسْأَلُ عَنْ فِعْلِکَ وَ لَا تَنَازِعُ فِی مَلِکِکَ وَ لَا تَشَارِکُ فِی امْرِکَ وَ لَا تَضَادُّ فِی حُکْمِکَ وَ لَا یَعْتَزُّضُ عَلَیْکَ احَدٌ وَ لَا یَعْتَزُّضُ عَلَیْکَ احَدٌ فِی تَذْیِیرِکَ لَکَ الْخَلْقُ وَ الامرُ تَبَارَکَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ."

عرض می‌کند: خدایا! تو از فعلات مسئول نیستی. برابر آیه سوره مبارکه انبیاء که فرمود: لَا یُسْئَلُ عَمَّا یَفْعَلُونَ وَ مَا یُسْئَلُونَ. (1)

سؤال گاهی در محور علل مادی یا سُوری است. سؤال می‌کنند: آیا فلان چیز از چی ساخته شد یا چگونه ساخته شد. ذات اقدس إله چون بدون الگو جهان را آفرید و حکیمانه هم آفرید نمی‌توان سؤال کرد که از کدام ماده عالم را آفرید. برای این که ماده‌ای در کار نبود و همه جزء مُنشآت اویند. صورت از پیش ساخته‌ای هم نبود تا خدا کارش را برابر آن صورت بسازد، زیرا خدا فاطر است و بلیغ و بدیع. و نوآور است و مورد سؤال هم قرار نمی‌گیرد. یعنی بازخواست هم نمی‌شود. زیرا آن قانونی که برابر آن قانون کسی بخواهد خدا را بازخواست کند، آن قانون هم ممکن است و مخلوق خداست. و هرگز مخلوق بر خالق حاکم نیست. و هرگز نمی‌توان خدا را زیر سؤال برد. چون او کارهایش عین حکمت است، هرگز گزاف و جزاف در حریم کار او و در قلمرو صُنع و خلقت او راه ندارد تا کسی بتواند بکند. جای سؤال نیست. در حقیقت سالبه به انتفاع موضوع است.

اگر کسی بخواهد از جهت مبداء فاعلی و غائی سؤال کند، خدا که فاعل همه اهداف است، دیگر نه مبداء فاعلی فائق دارد، نه مبداء

غائی فائق، لذا لا يُسْتَلُّ عَنْ مَا يَقَعَل. و مردم‌اند که مورد سؤال قرار می‌گیرند. وَ هُمْ يُسْأَلُونَ. و هیچ کسی حقّ اعتراض ندارد برای این که همه برابر حکمت او آفریده شدند. لَكَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ. (امر) گرچه گاهی در قبال خلق است، به معنای عالم امر استعمال می‌شود، ولی در اینگونه از موارد معنای جامع را دارد. یعنی هم عالم امر در اختیار خداست مثل عالم خلق، هم تدبیر عالم امر و خلق در اختیار خداست. لَكَ الْخَلْقُ وَ لَكَ الْأَمْرُ. (امر) یعنی تدبیر و اراده. همان طوری که اصل آفرینش در اختیار ذات اقدس اله است، تدبیر امور مخلوقات هم در اختیار خداست. او که منزّه از ضدّ است، مبرّای از شریک است، منزّه از جزاف و گزاف است دلیلی ندارد که کسی به او اعتراض بکند. اصلاً او اعتراض پذیر نیست. چون این چنین است اگر کسی را براند برابر با حکمت می‌داند. لذا در این دعا امام سجاد عرض می‌کند: پروردگارا! من آن معرفتی که درباره تو دارم اگر یک بار یا ده بار مرا برانی، باز دوباره برمی‌گردم. برای این که آن علل و عوامل نیایش و دعا همچنان پیش من هست.

یعنی 1- انسان محتاج است، 2- خود قدرت ندارد نیازهای خود را برطرف کند، 3- غیر خدا توانمند نیست، مشکلات انسان را برآورده کن، 4- تنها مبدائی که توان حلّ نیاز انسان را دارد خداست، 5- خدا هم کارهایش برابر با حکمت است، 6- دلیلی ندارد که من ناامید بشوم و دعا نکنم و نخوانم و نخواهم یا به غیر خدا تکیه کنم.

در بخشی از دعا‌های امام سجاد سلام الله علیه آمده است که: یا مَنْ لَا تُغَيِّرُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ. یا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ. یعنی پروردگارا! تو کارهای حکیمانه انجام می‌دهی. حتی دعا که یکی از بهترین وسائل است بخواهد در تو اثر بکند که مسیر حرکت را عوض کنی، این چنین نیست. هیچ وسیله‌ای توان آن را ندارد که حکمت خدا را تغییر، تبدیل و مانند آن ایجاد کند. حکمت خدا با هیچ وسیله‌ای تغییرپذیر نیست. بنابراین کارهای او متن حکمت است. از این جهت که متن حکمت است دلیلی ندارد که من ناامید بشوم. آن گاه عرض می‌کند:

یا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَا ذِيكَ وَاسْتَجَارُ بِكَرَمِكَ وَ أَلْفِ إِحْسَانِكَ وَ نِعْمِكَ.

من در یک منزلتی هستم که هیچ پناهگاهی غیر از شما ندارم. فهمیدم که ملاذ و ملجاء شمائی و ملاذ و ملجاء هم شمائی. جود و کرم شما هم طوری نیست که در تنگنا قرار بگیرد. عفو تو در مدار بسته ای نیست. فضل تو محدود نیست. رحمت تو محدود نیست. رحمت تو کم نمی‌شود من تنها تکیه‌گاه قصور ما صفح قدیم و گذشت سابقه‌دار شماست. و فضل عظیم و رحمت بی‌انتهای شماست. ما با چنین گمانی به درگاه شما آمدم. ما را با خبر کنید؛ اِفْتِرَاكَ یعنی اخی‌را یا رَبِّ ثَخْلِفُ ظَنُّونَا. ما با این گمان آمدم. شما هم که فرمودی: اَنَا اِنْ ظَنَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ بِي. من نزد گمان بنده‌ام هستم و گمان ما در این است که شما ردّ نمی‌کنی. آیا مایه حیثیت آمال ما می‌شوی؟ هرگز این چنین نیست. کلا. گمان ما این نیست که ما را ترک بکنی. طمع ما هم این نیست که شما انجام نگرفته ما را بیرون بکنی.

"اِنْ لَنَا فِيكَ اَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا اَنْ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَ دَعَوْنَاكَ وَ نَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقَّقَ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا."

پروردگارا! ما یک مانعی داریم که نمی‌گذارد به کرم تو راه پیدا کنیم و آن گناه است. خوب آن مانع را اول برطرف کن. گناهان را ببخش. ما یک تیرگی و تباهی در نهانمان داریم که نمی‌گذارد به حرم امن تو بار یابیم. خوب آن تیرگی را به صفا مبدل کن. آن شرطی که مفقود است حاصل کن. آن مانعی که موجود است برطرف کن تا ما لائق بار یافتن بارگاه کرمات را کرمّت بشویم. اِنْ شَاءَ اللهُ

عَقَرَ اللهُ لَنَا وَ لَكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ

پی‌نوشت:

سوره انبیاء / آیه 23